

در حدیثی از حضرت امام باقر^{علیه السلام} می‌پرسند: این‌که در احادیث نبوی آمده است که آیات قرآن دارای ظاهر و بطن –بشت و رو یا ظاهر و باطن– است، به چه معنی است؟ امام باقر^{علیه السلام} می‌فرماید: «ظاهر تنزیه و بطنه تأویل منه ما مضی ومنه ما لم لکن بعد، یجری کما یجری الشمس والقمر كلما جاء منه شین وقع» ظاهر آیات قرآن، ناظر به شرایط و حوادث وقت نزول قرآن و باطن آن، همان تأویل یا مقصود و مراد و حقیقت معنای آیه است. مصادیقی از این لحقیقت جاری سبزی شده و مصادیقی هنوز فرا نرسیده است؛ همانند خورشید و ماه که هر روز ظهوری نو و طلوعی مجدد دارند. مفاد حدیث را مرحوم علامه طباطبایی^{رحمه الله} بنای قاعده جری و تطبیق خود در تفسیر قرار داده و معتقد است: «هذه سلیقه اهل الیهیت^۱ یطبیقون الایه من القرآن علی ما یقیل ان یطبیق علیه من الموارد و ان کان خارجا عن مورد النزول والاعتبار یساعده، فان القرآن نزل هدی للعالمین یهدیهم الی واجب الاعتقاد و واجب الخلق و واجب العمل وما یبینه من المعارف النظریه حقایق لا تختص بحال دون حال و لا یمان دون زمان»؛^۲ این شیوه اهل‌بیت^{علیهم السلام} است که آیات قرآن را بر موارد قابل انطباق –گرچه مناسبتی هم با مورد و سبب نزول آیه نداشته باشد– تطبیق می‌دادند و این شیوهای صحیح است؛ زیرا قرآن برای هدایت همه عصرها و نسل‌ها نازل شده و وظیفه‌اش روشنگری واجبات و تعقاداتی و اخلاقی و عملی همگان است. معارف قرآن، حقایقی برهانی است که محدود به یک حال و شرایط یا منحصر در یک عصر و زمان نیست.

بر همین اساس اجازه می‌خواهیم، در آستانه ایام شهادت حضرت امام صادق^{علیه السلام} و با آموزه‌ای از آن‌حضرت، لفظاتی چند در محضر آیه ۳۲ از سوره مبارکه فاطر نشسته و جایگاه فعلی نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردم مسلمان ایران را ارزیابی کنیم. «و ما مفتخرم که باقرالعلوم^{علیه السلام} بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول^{صلی الله علیه و آله} و ائمه معصومین^{علیهم السلام} مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ماست و ما مفتخرم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی‌پایان است، یکی از آثار اوست.»^۳

در سوره فاطر آیه ۳۱ می‌خوانیم: ﴿ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا... الفضل الکبیر﴾ این کتاب آسمانی را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم؛ اما از میان آن‌ها عده‌ای برخود ستم کردند و عده‌ای میانه‌رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها از همه پیشی گرفتند و این، همان فضیلت بزرگ است.

به ارث نهادن؛ یعنی مال یا وسیله ارزشمندی را به دیگران سپردن تا پس از وفات ارث‌گذار، از آن نگه‌داری کنند و به آن برسند. منظور از کتاب آسمانی به قرینه آیات قبل، قرآن کریم است و البته منظور اصلی– فراتر از الفاظ و عبارات– معارف بلند قرآن کریم و اسلام است. احتمالاتی که در تفسیر این آیه توسط مفسران اشاره شده، به‌تعبیر مرحوم علامه^{رحمه الله} بیش از هزار احتمال آمده است و ما پس از دو تفسیر مشهور بین مسلمانان، به توضیح روایتی منقول از حضرت صادق^{علیه السلام} می‌پردازیم:

۱. خلاصه روایات شیعه و نظر مشهور بین مفسران شیعه را می‌توان در روایت منقول از حضرت امام باقر^{علیه السلام} ملاحظه نمود: «هی لنا خاصة؛ اما السابق بالخیرات فعلی‌بن ابی‌طالب والحسن والحسین الشهید^{علیهم السلام} منا واما المقتصد فصنام بالناهار وقائم باللیل واما الظالم لنفسه فقیه ما فی الناس وهو مغفور له»؛^۴ گروه پیشتازان امامان معصوم و شهیدند و گروه میانه‌رو– متوسط– کسانی هستند که به عبادت شبانه‌روزی –روزه روز و قیام در شب– اشتغال دارند و ستمگران به خود، کسانی هستند که چون دیگر مردم گرفتارند و در نهایت مورد بخشش الهی قرار می‌گیرند. ۲. در روایات اهل‌سنت نیز، از ابودرداء از حضرت رسول‌اکرم^{صلی الله علیه و آله} نقل شده که فرمود: «اما الذین سبقوا فاولئک یدخلون الجنة بغیر حساب واما الذین اقتصدوا فاولئک الذین یحاسبون حساباً یسیرا واما الذین ظلموا انفسهم فاولئک یحسبون فی طول المحشر ثم هم الذین یلقاهم الله برحمته فهم الذین یقولون: الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن

امام صادق علیه السلام و میراث‌داران نهضت امام خمینی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود لطیفی



ان ربنا لغفور شکور»؛^۵ پیشتازان همانانند که بی‌حساب وارد بهشت می‌شوند و در مقتصدان محاسبه‌ای آسان دارند و ستمگران به خود، تا پایان حشر و حساب‌رسی در حبس قرار دارند تا در نهایت مشمول رحمت الهی شده و همانان هستند که پس از رهایی می‌گویند: سیاس خدای بخشنده و سپاسگزار را که ما را از اندوه رهایی بخشید.

۳. و اما روایتی که از حضرت صادق^{علیه السلام} نقل شده است: از حضرت معنای آیه را پرسیدند و حضرت فرمود: الظالم یحوم یحوم نفسه والمقتصد یحوم حوم قلبه والسابق بالخیرات یحوم حوم ربه عزوجل»^۶ ستمگر کسی است که بر محور هواهای نفسانی خود می‌چرخد و مقتصد کسی است که بر محور دریافت‌های قلبی خود می‌گردد و پیشتازان در نیکی‌ها کسانی هستند که بر محور پروردگار هستی‌بخش زندگی می‌کنند. علامه طباطبایی^{رحمه الله} در تفسیر حدیث می‌نویسد: چرخش ستمگر بر گرد نفس خویش، تبعیت از هواهای نفسانی و تلاش در دستیابی به خواسته‌های آن است و چرخش مقتصد بر محور قلب، مشغول شدن به رفتارهای زاهدانه و متعبدانه به‌منظور تزکیه و رشد و طهارت خود است.

اکنون با توجه به حدیث امام باقر^{علیه السلام} که قرآن چونان خورشید هر روز می‌تابد و جلوه‌ای تازه دارد و حادثه‌ای تاریخی نیست تا زمانش سپری شود و چون آثار باستانی، تنها به تقدیس و تکریم و نقل خاطرات بسنده شود. در همین آیه نیز از واژه ظالم و مقتصد و سابق استفاده شده که مفهوم فرازمانی دارد و حضرت صادق^{علیه السلام} نیز در تفسیر آیه از هیأت مضارع استفاده می‌کنند که مفید استمرار و تکرار است و این همه، مقدمه برداشتی از آیه است که نویسنده قصد تقدیم آن را دارد.

انقلاب اسلامی که به رهبری و هدایت امام خمینی^{رحمه الله} و حضور بی‌نظیر مردم ایران آغاز گردید، میراث گران‌بهای انبیاء و اولیای الهی^{علیهم السلام} بود. «والأثرین، بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به‌معنای وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است... شما این ملت مجاهد، در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است؛ بیابید آن را یا نیابید. شما راهی را می‌روید

عادت، دین را دشمن سیاست می‌پندارند و گمان می‌کنند، دیدنداری به این است که با هر سیاست و سیاستمداری باید جنگید. اینان ابوسفیان، معاویه، یزید، پهلوی و صدام و نیز پیامبرخدا^{صلی الله علیه و آله}، امیرمؤمنان^{علیه السلام}، سید شهیدان^{علیه السلام} و فقیه جامع‌الشرایط را با یک چشم می‌بینند و همین را نشان عدالت و انصاف می‌شمزند! از نظر اینان هرکه بر مسند قدرت و حکومت نشیند، مستحق لعن و نفرین است. حاضرند با کافران و مشرکان و مستکبران علیه حاکمیت ولی‌خدا هم‌آوایی کنند؛ اما یک لغزش کوچک از یک سرباز خودی را برنمی‌تابند. قرن‌ها منتظر حاکمیت عدل می‌نشینند؛ اما همین که شخصی چون پیامبرخدا^{صلی الله علیه و آله} در تقسیم غنائم جیب‌شان را پر نکند، زبان اعتراض‌شان تیز می‌شود.

– و عده‌ای دیگر فریفته پیگانه‌اند و رمز نای و نوایشان آموزه‌هایی است که از آداب و رسوم پیگانه آموخته‌اند. هنرمند، شاعر، نقاش و نویسند‌اند؛ اما آزادگی و افتخارشان این است که هنر و شعر و قلم‌شان سمت و سوی الهی و توحیدی نگیرد. اینان نیز بین اساطیر یونان، آئین هندو و شرک مسیحی، با توحید فطری و حقیقت‌گرای قرآن فرقی نمی‌گذارند. برای آنان دفاع از تاج و تخت پهلوی، با دفاع مقدس هشت ساله از ارزش‌های دینی و ملی تفاوتی ندارد. ادعا می‌کنند: هنر «بر» حکومت است «یا» حکومت؛

ولی تمامی ارزش‌های تاریخی و قومی و ملی خود را در برابر حاکمیت استعمارگران فدا می‌کنند. برای کشتی تایتانیک سرود می‌سرایند؛ اما حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری گوش‌شان را نمی‌نوازد و چهره‌های تاول‌زده کودکان سر‌دشت و حلبچه دلشان را نمی‌آزارد!

اینها همه به خود ستم کردند و از نعمت بی‌نظیر انقلاب اسلامی نتوانستند بی‌گناهند، بهره‌ای بگیرند و سودی ببرند و در برابر این امتحان بزرگ الهی، با همه سوابق و ادعایی که داشتند، مردود شدند و باید تا پایان حشر و حساب – هم در دنیا و هم در آخرت – بایستند و پاسخگوی این همه جهل و بی‌بصیرتی خود باشند و اگر مهلت جبران داشته باشند، جبران کنند. تعداد این‌ها اگرچه اندک است؛ اما مرجعیت بسیاری را بر دوش دارند. چهره‌اند و چهره‌سازی می‌کنند تا به خیال خود؛ مأموریت‌شان را به پایان برسانند.

۲. و اما گروه میانه‌رو و مقتصد کسانی هستند که اعجاز دین، فرهنگ توحیدی و ولایت و اقتدار ایمان را می‌بینند و خود نیز، فطرتی سالم و قلبی بیدار دارند. با بهره‌مندی از موقعیت پیش‌آمده به رشد و کمال انسانی خود می‌پردازند. سر در کار خود دارند و با اصلاح روح و تکمیل برخی صفات نیک اخلاقی عشق می‌ورزند؛ از رشادت‌ها و ایثار دیگران لذت می‌برند و سپاسگزار و قدرشناسند؛ اما به‌دلیل برخی دلبستگی‌ها، خود روحیه ایثار، شهامت، شجاعت و فداکاری نیاموخته‌اند. تحت تأثیر برخی عملکردهای گروه اول، از عنوان دین و قرآن می‌ترسند و از تعصبات ناه‌جا و ظاهرسازی‌ها و یکدندگی آنان گریزانند؛ اما فطرتی حق‌طلب دارند و اگر صداقتی احساس کنند؛ حتی از ایثار جان و مال دریغ ندارند. صفای قلب دارند و آن را به کدورت هوا و هوس و شهوت و خشم نیالوده‌اند و از کبر و نخوت و حسادت – که سرآغاز نافرمانی، کینه‌توزی، برادرکشی و قساوت است– بیزار و گریزانند. احساسات و عواطف انسانی‌شان پاک است و بی‌غل و غش پرشورند و سراسر از امید؛ اما اگر این شور و احساس به منطق و برهان و عقل پیوند نخورد، خطرناک است و هلاکت‌بار.

اینان در مسیر حق قرار دارند و به حق می‌رسند؛ اما به‌موقع نمی‌رسند. در مسیر ولایت الهی قرار دارند؛ اما باید پاسخگوی برخی تأملات مزاحم و وقت‌گیر خود باشند. گاهی کشمکش اشتیاق به ایران و اسلام، عرب و عجم، ترک و فارس، بلج، کرد و لر، اینان را در انتخاب مسیر حق دچار فرصت‌سوزی می‌کند و نیروها را با ایجاد دوقطبی‌های احساسی، از حرکت و اقدام به‌موقع و برق‌آسا باز می‌دارد؛ اما هیچ‌گاه در اندیشه تعارض منافع و تقسیم غنائم نیستند و بحمدالله از این نمونه انسان‌های پاک‌باخته، پا به رکاب و عاشق در ایران اسلامی فراوان است و امیدبخش.

مؤلف در هر مسند، روایات را به‌صورت کامل از منابع نقل کرده و ضمن بیان منبع آن، سلسله اسناد را هم آورده است. البته الزاماً همه اخبار از معصوم^{علیه السلام} نقل نشده و بخشی از آنها، گزارش‌های تاریخی و نقل قول مورخان است. مؤلف، بخش روایاتی را که از خود امام^{علیه السلام} نقل شده (یعنی آن امام که کتاب به‌او اختصاص دارد)، به‌شکل مبسوطی براساس اصول (عقاید) و فروع (فقهی) دسته‌بندی کرده و از منابع مشهور و غیرمشهور آنها را جمع‌آوری و ارائه می‌کند. طبعاً در خصوص امام باقر و امام صادق^{علیهم السلام} که روایات بیشتری از آنان نقل شده، حجم بیشتری به مجلدات کتاب مسند اختصاص داده شده است. چنانکه مسند الامام الصادق^{علیه السلام} بیشترین مجلدات (بیش از ۲۰ جلد) را به خود اختصاص داده است. مؤلف، آدرس هر خبر را در پاورقی آورده؛ مگر در مسند الامام الصادق^{علیه السلام} که شیوه جدیدی اتخاذ کرده و در پایان هر باب، به‌صورت کلی منابع خود را ذکر کرده است.

• عرفان اسلامی

این کتاب در نوع خود بی‌نظیر بوده؛ زیرا جامع‌ترین شرح و تفسیر بر مصباح‌الشریعه منسوب به امام صادق^{علیه السلام} است. «عرفان اسلامی» شرحی بر کتاب «مصباح‌الشریعه» منسوب به حضرت امام جعفرصادق^{علیه السلام} است و مشتمل بر مسائل مهم عرفان اسلامی. در این کتاب که جلد اول از مجموعه پانزده جلدی به‌همین نام است و از سوی

انتشارات دارالعرفان روانه بازار نشر شده، ضمن ارائه تعریفی از عرفان، عارف و مکاتب عرفانی، پژوهشی پیرامون کتاب «مصباح‌الشریعه» و صحت انتساب آن به امام صادق^{علیه السلام} و دیدگاه علمای شیعه در مورد این کتاب و مطالب عمیق عرفانی و اخلاقی آن صورت گرفته است.

در این کتاب، سرچشمه اصلی عرفان در دین اسلام، قرآن کریم و معارف ناب اهل‌بیت^{علیهم السلام} دانسته شده است. استاد حسین انصاریان سعی کرده، مبانی اصلی عرفان و اخلاق اسلامی را با دیدگاه‌های حضرت امام صادق^{علیه السلام} تطبیق کرده و سپس با استفاده از آیات و روایات، به تجزیه و تحلیل اوصاف عارفان و مراحل عبادات آنها از مرحله عبودیت تا ربوبیت و همچنین مراحل هفتگانه نفس، ام از نفس اماره، نفس لوامه، نفس ناطقه، نفس عاقله، نفس مطمئنه، نفس راضیه و نفس مرضیه، از منظر قرآنی و روایی به‌ویژه نهج‌البلاغه امام علی^{علیه السلام} پرداخته است.

بررسی انواع حجاب‌های ظلمانی و نورانی در عرفان، مفهوم خوف عرفا از خداوند و نافرمانی او، تفاوت بین خوف و خشیت الهی، خوف عارفان از گناه و نقصان در عبادت، معنای امید عرفا به خداوند، بررسی مفهوم عشق و محبت در عرفان اسلامی و اقسام آنها و معرفی چهره‌های پاک و ناپاک از منظر قرآن کریم، از مباحث بعدی این کتاب است.

در کتاب «مصباح‌الشریعه» علاوه بر استفاده از آیات و روایات، از حکایات عبرت‌آموز نیز استفاده شده است.

۳. گروه سوم پیشتاز در هر کار خیرند؛ هم در مسابقه زندگی به کمال یک انسان متعالی دست یافته‌اند و از پلشتی‌های زندگی شهوانی و حیوانی خود را رها ساخته‌اند و هم در بهره‌مندی از فضائل اخلاقی و معنوی الگویی برتر همگان شده‌اند و این همه، نه از پیش خود و با اراده خود، که با اذن خدا و محرک و توفیق الهی است. اینان همان نیروهایی بودند که در نظام‌های کفر و شرک سرکوب می‌شدند و یا هرز و هدر می‌رفتند و آن‌گاه که اذن الهی یافتند و در شعاع ولایت الهی و بر مرکب هدایت و رشد ربوبی سوار شدند، به شکوفایی رسیدند و شکفتند و شکوه آفریدند؛ ذلک هو الفضل الکبیر.

انقلابی را خداوند نصیب مردم مسلمان ایران کرد تا ضمن تأیید تمامی انقلاب‌هایی که در تاریخ معاصر علیه ظلم و استبداد و استعمار اتفاق افتاده و می‌افتد، معیاری برای ارزیابی و اصالت‌بخشی و الگوسازی برای همه آن‌ها باشد و خلاصه‌ای آن‌ها را روشن و راه صحیح را در واقعیت خارجی و عینیت زندگی در اختیار همه انسان‌های عدالت‌خواه قرار دهد. «این پیشتازان در همین مسیر بود که به همه آزادگان صلا دادند که «در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان» هستند و به مستضعفان جهان بگویند «عزت و حیات در سایه مبارزه است و اولین گام در مبارزه اراده است و پس از آن، تصمیم بر این‌که سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً آمریکا را بر خود حرام» کنند و به آنان هشدار دهند که «بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لاه‌های گرگ منزل گرفته‌اند.»^۷

اینان همان کسانی بودند که ولایت الهی را با جان و دل پذیرفتند و از زلال آن سیراب شدند و جز مصلحت خدا و خلق خدا هیچ مصلحتی را به رسمیت نشناختند. اگر در جبهه دفاع نظامی از انقلاب قرار گرفتند، خط‌شکن شدند و معبر گشودند و نه‌تنها بر دکل‌های شناسایی که در اتاق فرماندهی دشمن، سیاست‌های شیطانی آنان را نقش بر آب نمودند و اگر در سنگر علم قرار گرفتند، چونان آشتیانی، علی‌محمدی، شهرپاری، احمدی‌روشن، فخری‌زاده و ... رمزهای علم را درنوردیدند و همانند همت، باکری، زین‌الدین، سلیمانی و ... شیران روز و زاهدان شب شدند، پیش رفتند و به نیروهای خود جرأت و امید بخشیدند و کم نیستند، آنان که ردای تقوا و فضیلت پوشیده و بر منبر تبیین و هدایت و محراب جهاد و شهادت، همچون مطهری و بهشتی و باهنر و دستغیب و مدنی و صدوقی برای همیشه تاریخ فروغ سعادت و عزت شدند.

امروز پرونده بسیاری از این سه گروه –میراث‌داری انقلاب اسلامی– بسته شده است. برخی به انتظار پایان حساب و کتاب در هرم و حرارت صحرای محشر منتظر و نگرانند و برخی دیگر، مطابق انگیزه‌های روحی و تلاش خود درگذرند و بسیاری نیز سرافرازند در محضر حق و «عند ربهم برزقون» هستند و پرونده ما که بر جلسه امتحان نشسته‌ایم، در حال تکمیل شدن است؛ گروهی بر گرد هوس‌ها می‌چرخند و به خود ستم می‌کنند، گروهی دیگر بر گرد خواسته‌های قلبی خود در پی کسب فضیلت‌اند و گروه سوم نیز، پیش از آن‌که به شهادت برسند، شهیدانه زندگی می‌کنند و فروغ می‌بخشند.

به راستی، تو، از کدامین گروهی !؟

• پی‌نوشت‌ها

- المیزان، ج۱، ص۴۲، به نقل از تفسیر عیاشی؛
- المیزان، ج۱، ص۴۲؛
- مقدمه وصیت‌نامه امام خمینی^{رحمه الله}؛
- المیزان، ج۱۷، ص۴۹، به‌نقل از سعدالسعود ابن طاووس؛
- المیزان ج۱۷، ص۵۰، درالمنثور و آیه ۳۴ فاطر؛
- معانی الاخبار ۱۰۴ و درتفسیر المیزان ج۱۷، ص۴۹؛
- آخرین بند وصیت‌نامه امام؛
- وصیت‌نامه سردار شهید قاسم سلیمانی؛
- آل عمران، ۱۴۰–۱۴۱؛
- احزاب/ ۸؛
- برگرفته از آیه ۲۸ مائده؛
- صحیفه امام، ج۲۱، صص. ۸۹، ۸۸، ۸۱؛

معرفی کتاب

• پیشوای صادق علیه السلام

در دوران مبارزه با رژیم ستم‌شاهی و در زمانی که رهبری جامعه، مهم‌ترین مساله نهضت اسلامی بود، رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی امام خاмене‌ای چند سخنرانی درباره تحلیل زندگی‌ان امام ششم^{علیه السلام} ایراد کرد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تحت عنوان «پیشوای صادق^{علیه السلام}» با همکاری واحد ایدئولوژی روزنامه جمهوری اسلامی تنظیم و در خرداد سال ۱۳۵۸ در ۱۷ شماره روزنامه جمهوری اسلامی منتشر گردید. جهت آگاهی از زندگی امام صادق^{علیه السلام} و مواضع و بینش حضرتش در سیر تشیع و احیای سنت نبوی و جهت‌دهی جامعه به سمت و سوی جامعه‌علوی در این مقطع تاریخی که در نوع خود، جزء نقاط مهم تاریخی است، نخست باید فلسفه امامت را دانست؛ یعنی کنکاش و جستجویی کرد در امام‌شناسی و خلافت بعد رسول‌خدا^{صلی الله علیه و آله} جریان‌ی که یازده نفر معین و مشخص، در طول مدتی حدود «۲۵ سال (از میانه سال ۱۱ هجری تا ۲۶۰ هجری)، عناصر اصلی و صاحبان و نمایندگان آن بوده‌اند.

این کتاب اثری است از امام خاмене‌ای که پیرامون فلسفه امامت امام صادق^{علیه السلام}، ریزش‌ها و رویش‌های دوره آن حضرت، وجود تشکیلات سازمانی و سیاسی ایدئولوژیک امامان^{علیهم السلام}، خاصه ایشان و نوع سبک اداره آنها، رسیدگی به مشکلات شیعیان، برگزاردن کرسی‌های با عنوان مسند الامام... و ترویج مکتب تشیع و شاگردپروری که به‌نوبه خود، یکی از

